



Study Of The Impact Of Cultural Elements On Sustainable Development With The Mediating Role Of Particularism

Ayoub Mahmoudi¹, Seifollah Seifollahi^{2*}, Tahmourth Shiri³, Samad Rasoulzadeh Aghdam⁴
(Receipt: 2024.04.29- Acceptance: 2024.08.13)

Abstract

The engine of development, and particularism can have a significant role alongside it. The present study aims to investigate the impact of cultural elements on sustainable development in Ardabil with the mediating role of particularism, focusing on Ardabil City in the year 2021. The present study is descriptive-correlational and applied in nature. The statistical population consisted of citizens aged 18-65 in Ardabil, with a total population of 605,992. Therefore, using Cochran's formula, a sample of 450 citizens was selected through multi-stage cluster and random sampling. A researcher-made questionnaire with a reliability of 0.85 was used to collect the data. Finally, the data were analyzed using Pearson correlation, regression, and path analysis with the help of SPSS software. The findings showed a positive relationship between cultural elements and ethnocentrism with sustainable development, and a negative relationship between cultural elements and particularism. Regression and path analysis showed that 61% of the variations in sustainable development can be explained by independent variables. Furthermore, cultural elements have a direct effect of 0.62 and particularism has a direct effect of 0.53 on sustainable development. To achieve sustainable development, attention should be paid to cultural elements and particularism in order to create a better future for the members of society. Therefore, attention to cultural, economic, and social capabilities, as well as optimal utilization of potentials, can play a significant role in this regard

KeyWords: Cultural Elements, Sustainable Development, Particularism, Ardabil.

1.Ph.D.Candidate In Sociology, Department Of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.ayyoubmahmoudi@yahoo.com

2.Associate Professor Of Sociology Department, Sciences & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*.Corresponding Author: Dr.seyfollahi@rped-almizan.ir

3.Associate Professor Of Sociology Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.shiri.tahmures@gmail.com

4.Associate Professor Of Sociology Department, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.s.rasoulzadeh@azaruniv.ac.ir



مطالعه تأثیر عناصر فرهنگی در توسعه پایدار با میانجی‌گری خاص‌گرایی

ایوب محمودی^۱، سیفالله سیفاللهی^{۲*}، طهمورث شبیری^۳؛ صمد رسول‌زاده‌اقدم^۴

(دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳)

چکیده

عناصر فرهنگی نقش مهمی در توسعه پایدار هر جامعه‌ای دارد. در واقع فرهنگ عامل اصلی و به عبارتی موتور توسعه است و خاص‌گرایی در کنار آن می‌تواند نقش به‌سزایی داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عناصر فرهنگی در توسعه پایدار اردبیل با میانجی‌گری خاص‌گرایی مورد مطالعه شهروندان اردبیل در سال ۱۴۰۰ شمسی می‌باشد. پژوهش پیش‌رو از نوع توصیفی-هم‌بستگی و هدف کاربردی می‌باشد. جامعه آماری شامل شهروندان ۶۵-۱۸ ساله شهر اردبیل به تعداد ۶۰۵۹۹۲ بود. بنابراین با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۴۵۰ نفر از شهروندان با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته که پایایی آن برابر با ۰/۸۵ بوده استفاده شده است. بدین‌سان، داده‌ها بابه‌کارگیری آزمون‌های پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد بین عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی با توسعه پایدار رابطه مثبت و بین عناصر فرهنگی با خاص‌گرایی رابطه منفی وجود دارد. تحلیل رگرسیونی و مسیر نشان داد که ۶۱ درصد از تغییرات توسعه پایدار به کمک متغیرهای مستقل قابل تبیین است همچنین عناصر فرهنگی ۰/۶۲ و خاص‌گرایی ۰/۵۳ بر توسعه پایدار اثر مستقیم دارند. برای رسیدن به توسعه پایدار می‌بایست به عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی توجه کرد تا بتوان آینده‌ای بهتر برای افراد جامعه درست کرد. در نتیجه توجه به قابلیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و استفاده بهینه از پتانسیل‌ها می‌تواند نقش مهمی در این خصوص داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: عناصر فرهنگی، توسعه پایدار، خاص‌گرایی، اردبیل.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ayyoubmahmoudi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. * نویسنده مسئول: Dr.seyfolahi@rped-almizan.ir

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. shiri.tahmures@gmail.com

۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان، تبریز، ایران. s.rasoulzadeh@azaruniv.ac.ir

مقدمه

اصولاً هر کشوری برای تحقق اهداف بلندمدت، به دنبال توسعه پایدار است. در ایران برای دستیابی به توسعه پایدار، براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ شمسی، جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با متوسط رشد ۸ درصد هدف‌گذاری شده است. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، اهداف و راهبردی‌های بلندمدت کشور برای توسعه را به‌نمایش می‌گذارد (انتظاری، محجوب، ۱۳۹۲: ۶۷). توسعه و بالندگی هر جامعه‌ای در نتیجه برنامه‌ریزی توسعه و تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه پایدار است. توسعه به مفهوم تحول کیفی، گذار از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر مستلزم ایجاد تغییر همه‌جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، است (گودرزوند چگینی، ۱۳۸۷). توسعه یک پدیده چندبعدی است و نمی‌توان فقط با شاخص‌های کمی صرف‌مانند درآمد سرانه و ازدیاد پس‌انداز توسعه را سنجش نمود. به‌عبارت‌دگر، نوعی دگرگونی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در عناصر، لایه‌ها و ساختارهای جامعه جهت دستیابی به هدف‌ها و رفع نیازهای انسان و جامعه است (سیفاللهی، ۱۳۹۹: ۳۸). حال توسعه پایدار رویکرد جامعی است که به ارتقای توسعه به شیوه‌هایی می‌پردازد که به محیط‌زیست ضربه‌ای وارد نیاید یا منابع طبیعی را ضایع نگرداند به‌گونه‌ای که در آینده در دسترس باشد. این گزارش می‌افزاید که شرایط مزبور نه‌تنها بر سیاست‌های زیست‌محیطی، که بر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نیز قابل انطباق است (به‌نقل از کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه، ۱۹۸۷ میلادی). یکی از مهمترین پیش‌شرط‌های تحقق توسعه پایدار در هر جامعه شرایط فرهنگی آن جامعه است. امروزه، تمدن هر کشوری برپایه فرهنگ مردم آن استوار است. فرهنگ نیز نمادی از ارزش‌های مادی و معنوی است و محیط هم درمقابل آن تأثیرپذیر است. یقیناً هویت فرهنگی افراد یک جامعه نیز تحت‌تأثیر محیط پیرامون آن‌ها شکل می‌گیرد و تأثیر عوامل محیطی را در شکل‌پذیری فرهنگ یک جامعه نمی‌توان نادیده گرفت (حقیقی، ۱۳۸۸: ۷۶). کشورهای توسعه‌یافته در تجربه تاریخی خود به‌سمت توسعه مواردی را در فرهنگ مردم خود لحاظ کرده و توجه جدی به آن نموده‌اند که امروزه شاهد یک شکاف جدی میان پیشرفت آنان و عقب‌ماندگی یا درج‌زدگی کشورهای جنوب هستیم. این موارد شامل: تأکید بر تفکر برپایه منطق و استدلال و پرهیز از پندارگرایی و خیال‌پردازی، خودداری از هرگونه تک‌روی و در پیش‌گرفتن شیوه جمع‌اندیشی، کوشش در اجتناب از هرگونه تملق و چاپلوسی، تلاش در جهت ایجاد امیدواری عمومی به اجرای قانون و حاکمیت اصول، توجه جدی به نقش تخریبی افراط و تفریط و پرهیز جدی از آن، اعتماد به حاکمیت نگرش علمی در حل مسائل جامعه، اعتقاد به شرکت آگاهانه در سرنوشت سیاسی و آزادی‌های مشروع و اعتقاد به اصل تغییر و نوآوری (ساعی، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

جامعه‌شناسان ایجاد هم‌بستگی اجتماعی افراد جامعه را ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها می‌دانند و عامل اصلی واگرایی انسان‌ها را جدال و ستیز و کمبود امکانات مادی تلقی می‌کنند. از جمله: عوامل تقویت‌کننده هم‌بستگی اجتماعی داشتن ارزش‌های مشترک، عام‌گرایی، دگراندیشی، همدلی و نوع دوستی است و عوامل تهدیدکننده آن را سوءظن‌ها، موضع‌گیری‌ها و خاص‌گرایی می‌باشد. نگاه تجربی به فرهنگ سیاسی ایران نشان می‌دهد که در این فرهنگ، قدرت ارزش اجتماعی فوق‌العاده‌ای است که دستیابی به سایر مزایای اجتماعی و اقتصادی را تسهیل می‌کند، ناامنی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، در اکثر مردم نوعی روحیهٔ ۲گانه ایجاد کرده است. فرهنگ سیاسی ایران در طول تاریخ معرف این نکته است که دایرهٔ اعتماد میان افراد و به تبع آن، نهادهای سازمان‌ها و مؤسسه‌ها بسیار اندک و محدود است. یکی از آثار این کم‌اعتمادی، واگذاری نقش‌ها در نظام اجتماعی و نظام سیاسی (به‌جای شایسته‌سالاری و براساس گزینش)، بر مبنای تعلقات خویشاوندی و قومی است. اصل طبیعی رقابت، اختلاف، تعارض و در نهایت تضاد میان افراد و سازمان‌ها از راه‌های خشونت‌آمیز یا دست‌کم با منطبق حذفی انجام می‌شده است (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۵-۳۳). که همهٔ این‌ها، بیان‌گر این است که روحیات قبیله‌ای، عشیره‌ای و اخلاق خاص‌گرایی ایرانیان تداوم یافته است. حال شهر اردبیل با توجه به مرکز استان بودن، تغییرات جهان و کشور در معرض تغییرات قرار گرفته است و به اصطلاحی در حال تغییر و گذر می‌باشد. همین تغییرات و دگرگونی‌ها سریع باعث شکل‌گیری نابرابری‌ها، تفاوت‌ها، تمایزات اجتماعی، خاص‌گرایی و خصوصاً خاص‌گرایی در رفتارها، کنش‌ها و تعاملات اجتماعی شده است. اگرچه همهٔ این عوامل در مناطق دیگر کشور نمود دارد اما این موارد در توسعه نیافتگی و نرسیدن اردبیل به توسعهٔ پایدار نمود بیشتری به خود گرفته است. حال با توجه به اینکه اردبیل پتانسیل قابل توجهی برای توسعه و توسعهٔ پایدار دارد ولی شاخص‌های کشوری نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب توسعهٔ پایدار در اردبیل است. به طور مشخص، این پژوهش در پی پاسخ به این است که عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی چه نقشی در توسعهٔ پایدار شهر اردبیل دارد. و نیز فرضیاتی که مدنظر بوده است به مثابهٔ؛ بین عناصر فرهنگی و توسعهٔ پایدار اردبیل رابطهٔ معناداری وجود دارد بین خاص‌گرایی و توسعهٔ پایدار اردبیل رابطهٔ معناداری وجود دارد بین عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

توسعه پایدار، نیازمند استفاده از همه ظرفیت و توانایی‌هاست. لازمه سیاست توسعه پایدار، داشتن شاخص‌های اندازه‌گیری برای نیل به اهداف آن است. حال توجه به عناصر فرهنگی و اخلاق خاص‌گرایی در هر کشوری نقش مهمی در توسعه پایدار مناطق، استان‌ها و شهرهای آن کشور دارد. اولین گام؛ برای تحقق توسعه پایدار برخورداری از سندی که چشم‌انداز بلندمدت کشور را به صورت واقع‌بینانه لحاظ نماید. از طرفی دگر، داشتن چشم‌انداز به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده توسعه در هر کشوری باشد. بنابراین، بارور کردن ظرفیت‌های نهادی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و قابلیت‌ها در همه بخش‌های کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. دومین گام؛ برای تحقق توسعه پایدار، الزامات اجرایی است در تدوین چشم‌انداز، ابزارهای سیاستی به‌منظور عملیاتی شدن برنامه و راهبردهای جلوگیری از انحرافات احتمالی بایستی تعبیه و طراحی شود. سومین گام؛ مسیرهای اندازه‌گیری و مقایسه مشخص و معین شده برای ارزیابی اقدامات انجام شده تعیین شود. اردبیل با داشتن پتانسیل‌های لازم در منابع کشاورزی، معادن، گردشگری و مناطق تاریخی و نیروی انسانی متأسفانه یکی از شهرهای محروم و کمتر توسعه‌یافته طبق آمارهای کشوری می‌باشد. همچنین توجه به قابلیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و استفاده بهینه از این پتانسیل‌ها می‌تواند موتور توسعه اردبیل باشد. عدم توجه به عناصر فرهنگی و زیربنایی توسعه، خویشاوندگرایی، رانت و باند-بازی‌های جناحی، عدم‌دوری از تخصص‌گرایی، ژن‌های معیوب نه ژن خوب و درنهایت خاص‌گرایی راه را بر توسعه و درنتیجه، توسعه پایدار که به مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توجه می‌کند، بسته است. نمی‌توان گفت اردبیل توسعه‌نیافته، بلکه می‌توان اذعان داشت درحال توسعه و توسعه‌یافته است. حال در عوامل و دلایل توسعه‌نیافتگی به عناصر فرهنگی بهاء داده نشده است و گفتمان توسعه که با عناصر فرهنگی رابطه دارد شکل نگرفته است. از طرفی مسئولین، مدیران شهری و نهادهای متولی از لحاظ فرهنگی نتوانستند به اجماع کلی جهت توسعه و توسعه پایدار برسند که این مورد هم به‌نوعی ضعف فرهنگی و اجماع فرهنگی برای توسعه را نشان می‌دهد. نمونه بارز آن، اختلاف بین نمایندگان استان اردبیل درجهت تعیین محدوده منطقه آزاد تجاری می‌باشد. با این اوصاف تا زمانی که به عناصر فرهنگی و گفتمان فرهنگی توسعه توجه نشود و تمامی پست‌ها و مدیریت‌ها براساس شایسته‌سالاری و عام‌گرایی که نقطه مقابل خاص‌گرایی است نباشد انتظار توسعه و توسعه پایدار اردبیل سربلندی نیست و این اهمیت موضوع را ۲چندان نشان می‌دهد. باتوجه به پیشینه تاریخی شهر اردبیل روابط خانوادگی، جایگاه خویشاوندی، هم‌نژادی، هم‌شهری، هم‌طایفه‌ای، هم‌روستایی و خاص‌گرایی از اهمیت خاصی در بین ساکنین شهر برخوردار است. اگرچه این ویژگی‌ها

می‌تواند از سستی بودن جامعهٔ اردبیل و به‌خصوص ریشه در تاریخ، زندگی ایلی و عشایری دارد. تعامل و مراد به علت هم‌بستگی خویشاوندی، طایفه‌ای، مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در هرچه پررنگ شدن خصیصهٔ خاص‌گرایی نقش دارد. این رفتار فقط مربوط به روابط و تعاملات اجتماعی نیست بلکه خاص‌گرایی در ادارات، نهادها، سازمان‌ها در شهر اردبیل و به‌خصوص مناطق و محلات مختلف شهر اردبیل هم شاهد ۲ قطبی و چندقطبی باعنوان (۶گانه و ۱۳گانه)، هستیم نتیجهٔ این تقابل بین روستاییان و شهرنشینان باعنوان کندی و شهری، اردبیلی اصیل و شهرستانی گردیده است که در عقب‌ماندگی استان و شهر اردبیل نقش به‌سزایی داشته است. پس توجهٔ مسئولین و نهادهای متولی فرهنگی به تقویت عناصر فرهنگی جهت دوری از خاص‌گرایی و رسیدن به توسعهٔ پایدار شهر اردبیل اهمیت و ضرورت موضوع را می‌رساند.

روش‌شناسی (متدولوژی)

روش‌شناسی، به‌عنوان شناخت اصول و مبانی پژوهش و تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها و شیوهٔ به‌کاربری آن‌ها در پژوهش‌های علمی و همین‌طور رویکرد نظری، به‌عنوان چراغ راهنمای پژوهش‌های علمی در بیان پرسش‌ها، فرضیه‌ها و تدوین الگوی تحلیلی، بنیان پژوهش‌های علمی را پی‌می‌ریزد. این جریان در پژوهش‌های اجتماعی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند، زیرا بیشتر موضوعات پژوهش‌های اجتماعی به‌دلیل ارتباط آن‌ها با زندگی اجتماعی، روابط و مناسبات انسان‌ها با همدیگر از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است (سیف‌اللهی، ۱۳۹۹: ۱۴).

پژوهش پیش‌رو از نوع توصیفی-هم‌بستگی، به‌روش پیمایشی و هدف کاربردی می‌باشد. جامعهٔ آماری پژوهش افراد ۶۵-۱۸ساله شهر اردبیل که تعداد کل جمعیت براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۶۰۵۹۹۲ نفر است می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی بوده همچنین جهت شناسایی حجم نمونه از فرمول حجم نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است. براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت هرگونه پوشش خطای احتمالی تعداد نمونه به ۴۵۰ نفر ارتقاء یافت. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته که پایایی آن برابر با ۰/۸۵ بوده استفاده شده است. درنهایت داده‌ها با استفاده از آزمون‌های پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر به کمک نرم‌افزار SPSS موردتحلیل قرار گرفتند.

ادبیات پژوهش

شاخص‌های توسعه فرهنگی توسعه‌پذیر و ضد توسعه در روند توسعه ایران

عدالت‌خواهی: عدالت‌خواهی یکی از ویژگی‌های متمایز و برجسته جامعه ایرانی ممکن است در رسیدن به توسعه به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌پذیر مورد توجه قرار گیرد. گرچه ریشه‌های عدالت‌خواهی در جامعه ایرانی را می‌توان در اساطیر نیز یافت، باین وجود در تاریخ معاصر نیز این شاخص فرهنگی نقش مهمی در معادلات جامعه دارد. در این زمینه نظرسنجی که در سال ۱۳۷۳ شمسی، انجام شد به خوبی گویای ریشه‌های قوی عدالت‌خواهی در جامعه ایرانی است. در این نظرسنجی، ۷۹ درصد پاسخگویان عدالت را بسیار مهم تلقی کرده و آن را مهمترین مسئله جامعه ایرانی دانسته‌اند. در صورتی که شاخص عدالت‌خواهی در فرهنگ ایرانی در عرصه سیاسی نیز انعکاس یابد، نقش مؤثری بر توسعه خواهد گذاشت. در حوزه اقتصادی، عدالت توزیعی و یا برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی، تأثیر مستقیمی بر شکوفایی استعدادهای اعضای جامعه و در نتیجه، افزایش سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی خواهد داشت.

جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی: جمع‌گرایی را می‌توان وجود یک سری تعهدات گروهی و متقابل میان اعضای جامعه بدانیم که افراد موظف به اجرای آن‌ها هستند، در مقابل فردگرایی ایده‌ای است که براساس آن غالباً منافع فردی بر منافع جمعی و ملی در نزد اکثریت جامعه غلبه دارد. با وجود ادعاهای غیرعلمی و یا عمدتاً قدیمی که در آثار مستشرقان و سفرنامه نویسانی همچون؛ دالواله، موریه، شاردن، فولر، فریزر و غیره، در مورد فردگرایی ایرانیان یافت می‌شود (وثوقی، میرزایی، رحمانی، ۱۳۸۴: ۳۱۵-۳۰۴). مطالعات تجربی نشان‌دهنده درجه بالای جمع‌گرایی در فرهنگ ایرانی است. جمع‌گرایی جامعه ایرانی می‌تواند منجر به کاهش گسست اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در نهایت کاهش شکاف بین مردم و دولت شود که هر کدام از موارد فوق، تأثیر به‌سزایی بر توسعه دارند.

-
1. Pietro Della Valle
 2. James Justinian Morier
 3. Jean Chardin
 4. Graham E. Fuller
 5. James Baillie Fraser

پلورالیسم فرهنگی: باتوجه به تکثر و تنوع قومی و مذهبی در ایران، پلورالیسم یا کثرت‌گرایی فرهنگی نقش مهمی در وحدت و ثبات جامعه ایرانی داشته است. پلورالیسم فرهنگی با پذیرش تفاوت بین ادیان و اقوام مختلف و افزایش تعاملات فرهنگی منجر به توسعه می‌شود. لذا، شاخص کثرت‌گرایی فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش قدرت نرم باشد (دبده، ۱۴۰۰: ۵۵). البته این شاخص فرهنگی کاملاً در تضاد با روندی است که دولت در زمینه انحصار فرهنگی پیگیری می‌کند. کثرت‌گرایی فرهنگی جامعه ایرانی، در تقابل با تبعیض فرهنگی، می‌تواند زمینه استفاده حداکثری از سرمایه‌های انسانی را فراهم کند. شاخص‌های رفتاری همچون برخورد سرد، رفتار خشک و زندگی ماشینی به صورت محدودی در جامعه ایران وجود دارد، درحالی که صمیمیت و مهمان‌نوازی به عنوان یکی از شاخصه‌های شناخته‌شده و بارز فرهنگی، تثبیت شده است که بسیاری از مستشرقان و ایران‌شناسان همچون هانری کربن به بررسی آن پرداخته‌اند. این شاخص‌های رفتاری را می‌توان در ک چارچوب تحلیلی بزرگ‌تر، به عنوان بخشی از فرهنگ‌پذیری جامعه ایرانی ارزیابی کرد، که پلورالیسم فرهنگی را مفروض گرفته است. ریشه‌های کثرت‌گرایی فرهنگی جامعه ایرانی را می‌توان در آثار شاعران برجسته‌ای همچون مولانا و حافظ نیز یافت (مشیدی، فرزانه، ۱۳۹۱: ۸۵).

احترام: گرچه در چند دهه اخیر تحت‌تأثیر عوامل متعدد، فرهنگ احترام در جامعه ایرانی کم‌رنگ شده است، اما شاخص فرهنگی احترام در جامعه ایرانی، همانند جامعه ژاپنی از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. شاخص‌های رفتاری «احترام به بزرگ‌تر» و «تعارف»، نمودهای مشخصی از فرهنگ احترام در که محققان بسیاری از جمله؛ ویلیام بیمن^۱ به آن پرداخته‌اند (Beeman, Moyne, 1988: 404). کارکرد شاخص فرهنگی احترام همانند منبع مشروعیت کاربزماتیک در اندیشه‌های ماکس وبر است. میزان کارایی این شاخص در فرهنگ ایرانی، به میزان کاربزماتیک و درجه اعتبار منبع احترام بستگی دارد. شاخص فرهنگی احترام در صورت اعتبار منبع احترام، در موارد متعددی همچون شرایط بحرانی، بروز اختلاف و حتی جنگ کارایی قابل‌توجهی در رفع اختلافات و ایجاد ثبات دارد. این شاخص، هنوز هم در سطوح خرد جامعه کارکرد قابل‌توجهی در رفع اختلافات خانوادگی و حتی قضایی دارد که نمود مشخص آن را می‌توان در سازوکار مصلحتی حل اختلافات در برخی از مناطق ایران شاهد بود (شهرام‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۲۰-۲۱۷).

شاخص‌های فرهنگی ضد توسعه در ایران

با وجود اینکه ایران از شرایط و زمینه‌های مناسب جغرافیایی برای توسعه برخوردار است، برخی علل همچون ضعف مدیریت سیاسی، دولت رانتیر و وجود شاخص‌های فرهنگی ضد توسعه منجر به وارد آمدن خلل به فرایند توسعه شده است. در این بخش تنها به برخی از شاخص‌های فرهنگی جامعه ایرانی پرداخته می‌شود، که می‌توانند روند توسعه را با مشکل مواجه سازند به مثابه:

دیالکتیک سنتز ناپذیر فرهنگ اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی، مدرنیسم و مارکسیسم: فرهنگ معاصر ایرانی متأثر از جریان‌های مختلف و متعددی از جمله اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی، مدرنیسم، مارکسیسم و غیره، بوده است. جریانات مذکور بعضاً اهداف، مفروضات، گزاره‌ها و توصیه‌های متفاوتی را به انسان ایرانی چه به‌عنوان یک فرد و چه به‌عنوان عضوی از جامعه ارائه می‌دهند. پارادوکس بین ایده‌های متضاد ۲گانه همچون «اسلام‌گرایی و مدرنیسم»، «اسلام‌گرایی و مارکسیسم»، «مدرنیسم و مارکسیسم»، «ملی‌گرایی و مارکسیسم»، «ملی‌گرایی و مارکسیسم»، «تشیکیل‌دهنده» یک ساختار دیالکتیکی پیچیده و سنتز ناپذیر از ایده‌های مخالف هستند. حتی در خوشبینانه‌ترین حالت، با وجود عدم تضاد اساسی بین جریان‌های «ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی»، یا «ملی‌گرایی و مدرنیسم»، این جریان‌ها رقیب همدیگر شمرده می‌شوند که ایجاد سنتزی حداقلی از آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. هر کدام از جریان‌های ۴گانه در دوره‌ای از تاریخ کشور فرصت بروز داشته‌اند، باین وجود در ایجاد شرایط هژمونیک و یا حداقل پارادایمیک ناموفق بوده‌اند. در دوران پهلوی تلاش بسیاری برای مسلط کردن ایده‌های ملی‌گرایانه و مدرنیسم بر جامعه شکل گرفت که در نهایت با خیزش جنبش اسلام‌گرایی و همراهی جنبش مارکسیستی در سال ۱۳۵۷ شمسی، با شکست مواجه شد. پس از پیروزی انقلاب نیز دولت جمهوری اسلامی تلاش بسیاری برای تقویت هژمونی جریان اسلام‌گرا بر سایر جریان‌های فرهنگ ایرانی داشته، که با مقاومت نسبی جریان‌های مدرنیستی و ملی‌گرایانه مواجه بوده است (همان). جریان‌های چپ اسلامی و یا ملی مذهب‌یون در ایران نیز در ایجاد سنتزی متناسب و فراگیر از دیالکتیک این ایده‌ها ناموفق بوده‌اند. البته تنها تغییر محسوسی که در ۴ دهه اخیر رخ داده، حذف و یا تضعیف جریان مارکسیستی از معادلات مهم است که البته این تغییر نیز بی‌تأثیر از وقوع انقلاب و همچنین تحولات جهانی از جمله؛ فروپاشی شوروی نبوده است. انسجام درونی جریان‌های فکری و فرهنگی در جوامع و یا حداقل موقعیت پارادایمیک یکی از جریان‌ها، می‌تواند مسیر ثبات و توسعه را هموار سازد. این در حالی است که موازنه بین ایده‌های ۳گانه در جامعه فعلی ایران نسبتاً رقابتی و حتی بعضاً تقابلی بوده و هر کدام از این

جریانات، بعضاً هویت خود را در تقابل با سایر ایده‌ها بازتولید می‌کنند. نمود بارز تقابل این ایده‌ها را می‌توان در جریان ملی شدن نفت مشاهده کرد، که در نهایت با پیروزی کودتا، به زیان توسعه کشور تمام شد. لذا؛ تا زمانی که یکی از جریان‌های ۳گانه فرهنگی و فکری در ایران به موقعیت هژمونیک و یا پارادایمیک نرسد و یا اجماعی در مورد نقش هر کدام از ایده‌ها در عرصه جامعه، فرهنگ و سیاست ایرانی شکل نگیرد، نباید امید آن چنانی به اثرگذاری مثبت دیالکتیک ایده‌های اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی و مدرنیسم بر توسعه کشور داشت (همان).

فرهنگ رانتی: رانت غالباً در حوزه اقتصاد سیاسی به کار برده می‌شود، با این وجود فرهنگ رانتی به عنوان یکی از آثار مهم اقتصاد رانتی در جوامع است. حسین مهدوی، از اولین نظریه‌پردازان نظریه دولت رانتی است که اقتصاد و فرهنگ رانتی را از عوامل مهم عدم توسعه می‌داند. مهدوی، دولت ایران را از دهه ۱۳۳۰ شمسی، به بعد یک دولت رانتی می‌داند. در تعریف، رانت به درآمدهایی گفته می‌شود که از منابع خارجی از قبیل فروش مواد خام، منابع زیرزمینی و غیره، به تملک دولت درمی‌آید و از یک فعالیت مولد اقتصاد داخلی به دست نمی‌آید. رانت به اشکال مختلف وجود دارد و تمامی انواع رانت را می‌توان به نوعی مانع توسعه به شمار آورد. رانت سیاسی نیز بیشتر به انحصار قدرت در یک گروه خاص و عدم مشارکت دیگران اطلاق می‌شود. رانت اجتماعی و رانت اطلاعاتی از دیگر انواع رانت به شمار می‌روند که امتیازی ناعادلانه را برای گروهی خاص در پی داشته و هم مانع روند توسعه می‌شوند و هم باعث افزایش نابرابری‌ها (میرترابی، ۱۳۸۷: ۴۵-۱۵). اقتصاد رانتی ایران، جامعه را به دولت وابسته کرده و فرهنگ آن را در بلندمدت به سمت فرهنگ وابسته و رانتی سوق داده است. تداوم و تقویت دولت رانتی در ایران، باعث شده تا فرهنگ رانتی ریشه عمیقی در جامعه ایجاد کند. در این چارچوب، میزان دسترسی اعضای جامعه به منابع و رانت‌ها بر اساس نزدیکی به حلقه‌های قدرت و شخصیت‌های سیاسی تعریف و تعیین می‌شود و دموکراسی به معنای آزادی شهروندان در استفاده از فرصت‌های برابر به تناسب شایستگی‌ها و توانمندی‌های آنان، با موانع ساختاری روبه‌رو بوده است. در چنین ساختاری به جای شایسته‌سالاری، شاخص‌های رفتاری ضد توسعه همچون چاپلوسی، برای نزدیک شدن به منبع قدرت و استفاده از رانت رواج می‌یابد. تقویت و بازتولید هر چه بیشتر شاخص‌های فرهنگ رانتی، توسعه را با مشکل جدی مواجه خواهد ساخت (همان).

دید کوتاه‌مدت: فرهنگ ایرانی در این زمینه بسیار ضعیف است. دید کوتاه‌مدت در فرهنگ ایرانی، به معنی اولویت و اهمیت منافع زودگذر و منفعت طلبانه در مقابل برنامه‌ریزی برای آینده است. در حالی که در جوامع با فرهنگ آینده‌نگر، تحلیل روندها و پذیرش تغییرات، بسیار با سرعت انجام می‌شود، در جوامع با دید کوتاه‌مدت، پذیرش و یا تحلیل روندهای آینده برای جامعه بسیار دشوار است. براساس داده‌های موجود، شاخص آینده‌نگری در جامعه ایران با ۱۴ درصد، بسیار پایین‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است.

فرهنگ تبعی: فرهنگ تبعی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن مردم آگاهی نسبی از نظام سیاسی ملی دارند، با این وجود به دلیل فقدان نهادهایی برای بیان مطالبات، ضعف ساختارهای نهادی و تجمع خواست‌ها، نسبت به آن حالتی انفعالی دارند. در این فرهنگ، احترام افراد به نظام سیاسی، توأم با ترس بوده و اعضای جامعه عمدتاً بر این باورند که قادر به مشارکت در عملکرد آن نیستند (بدیع، ۱۳۹۳: ۵۳-۵۲). فرهنگ تبعی به خصوص با توجه به سابقه طولانی نظام سلطنتی، ریشه عمیقی در جامعه ایرانی دارد. شاهان ایرانی در طول تاریخ همواره خود را برتر و در مقابل رعیت دانسته‌اند نه بخشی از آن. حتی در سطح فراملی نیز روابط ارباب و رعیتی، میزان بالایی از شاخص‌های فرهنگ تبعی را با خود به همراه می‌آورد. اهمیت فرهنگ تبعی به این لحاظ است که این شاخص فرهنگی در تضاد کامل با فرایند توسعه بوده و در مقابل فرهنگ سیاسی مشارکتی قرار می‌گیرد که شاخصی مثبت در فرایند توسعه‌یافتگی است. در چارچوب فرهنگ مشارکتی، مردم با مشارکت در نهادها و داده‌ها، نسبت به رفتار نظام سیاسی حساسند و شهروندان به تأثیرگذاری خود بر تصمیمات سیاسی آگاه می‌باشند (همان).

استبداد، اقتدارگرایی و انتقاد ناپذیری: در نظریه استبداد ایرانی به ریشه‌های فرهنگی عدم توسعه‌یافتگی در قالب استبداد پرداخته شده است. براساس این نظریه در دوران پیش از مشروطه از جمله؛ مهمترین موانع توسعه به استبداد شاهان و نبود قانون نسبت داده می‌شد. با وجود برجسته شدن نظام سلطنتی در ایران، ضعف در اجرای قانون و فرهنگ استبدادی همچنان در بخش بزرگی از جامعه رواج دارد که منجر به رشد اقتدارگرایی و انتقاد ناپذیری شده است (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۶۴-۵۳). از جمله؛ ریشه‌های مهم استبداد و اقتدارگرایی در فرهنگ ایرانی، پاتریمونالیسم سنتی است. این گفتمان مرکب از عناصر مختلف و متعددی بوده است که از آن جمله باید نظریه شاهی ایرانی، نظریه سیاسی شیعه به تعبیر دوران صفویه، شیوه خاص استبداد دوران قاجار و پدرسالاری قبیله‌ای را نام برد (ازغندی، ۱۳۹۷: ۳۰).

پوپولیسم: تفکر آرمان‌گرایانه زمینه‌مناسبی را برای رشد پوپولیسم ایرانی فراهم می‌کند که برای دستیابی به اهداف و خواسته‌های فردی، سیاسی، حزبی و گروهی به جلب رضایت عمومی و جلب حمایت مردم با رویکردی عوام‌فریبانه می‌پردازد. در چارچوب این شاخص فرهنگی باتوجه‌به ضعف فرهنگ دموکراتیک، از ضعف‌های دموکراسی برای قدرت گرفتن استفاده می‌شود. ریشه‌ها و زمینه‌های فرهنگ پوپولیستی در ایران را می‌توان در فقر اقتصادی، فقر آگاهی و نابرابری توزیعی یافت. گرچه در سال‌های اخیر رشد آگاهی به‌واسطه تکنولوژی‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی افزایش یافته و تاحدی که منجر به تضعیف فرهنگ پوپولیستی شده، اما هنوز هم این شاخص فرهنگی تأثیر به‌سزایی به‌خصوص در عرصه سیاسی کشور دارد.

در این بین می‌توان نظریه‌های درارتباط با عناصر فرهنگی، خاص‌گرایی و توسعه‌یابدار برپایه (جدول ۱)، مدنظر داشت.

جدول ۱: نظریه‌های مرتبط با عناصر فرهنگی، خاص‌گرایی و توسعه‌یابدار

نظریه	نظریه‌پردازان
یکی از مظاهر سلطه عقلائیت ابزاری به‌نظر آدورنو صنعت فرهنگ است. صنعت فرهنگ تمهیدی است که بورژوازی برای دست‌آموزی افکار توده‌ها به‌کار می‌گیرد. آدورنو معتقد است که این صنعت نمی‌گذارد انسان‌ها جهان دیگری جزء آنچه هست برای خود متصور شوند. به‌همین منظور از ابزار مختلفی استفاده می‌کند تا شرایط فعلی را بهترین وضعیت ممکن معرفی کند و دیگر اینکه امکان فراموشی مشکلات و سختی‌های زندگی را فراهم سازد. صنعت فرهنگ از ۲ جهت به نظام سرمایه‌داری خدمت می‌کند، اول؛ اینکه مردم را تبدیل به توده‌هایی منفعل می‌کند که شرایط موجود را بدون هیچ فکری می‌پذیرند و دوم؛ اینکه به کمک تبلیغات گسترده مردم را به سمت خرید آنچه که از بالا تصمیم‌گیری شده هدایت می‌کند. بنابراین صنعت فرهنگ فرهنگی تجارت‌زده و تحمیلی از بالاست که به‌صورت انبوه تولید می‌کند و تولیدات آن توسط مصرف‌کنندگان منفعلی خریداری می‌شود که قدرت تشخیص آن‌ها به‌واسطه تبلیغات دچار اختلال شده است و صرفاً می‌توانند بین خریدن و نخریدن انتخاب کنند و بدین‌سان مردم تبدیل به توده‌های منفعل در برابر خواست نظام حاکم می‌گردند (آدورنو، هورکهایمر، ۱۳۸۷: ۲۱۴).	تئودور آدورنو ^۱
کانون محوری مباحث کاتوزیان درباره تاریخ ایران با پدیده استبداد و بیان چیستی و چرایی آن گره خورده است (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۸-۷)، به‌طوری‌که تزه‌های چندین‌گانه کاتوزیان که از نگاه خودش بیان‌کننده نظریه‌ای درباره «ویژگی‌های دولت و جامعه استبدادی»، در تاریخ ایران است (همان) تاکید کاتوزیان این است که نظریه «دولت و جامعه استبدادی»، یا «استبداد ایرانی»، وی «کاملاً مستقل از هر نظریه درمورد عوامل به‌وجود آوردن دولت»، در تاریخ ایران بوده و برهمن اساس بر بدیع‌بودن آن	همایون کاتوزیان

<p>اصرار ورزیده و مدعی است که «دادن پاسخ‌های قطعی به چنین پرسش‌های تاریخی بزرگی [چرایی دولت و جامعه استبدادی در تاریخ ایران]، خاصه با توجه به کمبود بی‌اندازه اسناد معتبر، اگر هم ساده‌دلانه نباشد، مسلماً جسورانه است». به این‌گونه با چنین قید و شرطی در نهایت تواضع نظریه مورد ادعای خود را «فرضیه‌ای مطرح می‌کند که به نظر معقول می‌رسد».</p>	
<p>توسعه اقتصادی-اجتماعی اخیر ایران را نمی‌توان تنها با توسل به اتفاقات و متکی به عواملی از قبیل: غرض ورزی‌های شخصی، بی‌توجهی و بی‌مبالاتی رهبران سیاسی، نبود امکانات و نیروی انسانی، روابط اجتماعی کهن و عوامل خارجی تبیین کرد. بلکه توسعه ناموزون اقتصادی-اجتماعی اخیر ایران فرایند واقعیت‌های عینی و روابط اجتماعی داخلی است که در برخورد با عوامل خارجی، به شکل و ترکیب ویژه‌ای درآمده که در تاریخ اقتصادی ایران بی‌سابقه بوده است. به‌طور کلی، توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران تحت تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی ناموزون، ناهماهنگ و وابسته به عوامل داخلی و خارجی قرار دارد ایران در چند دهه اخیر و به‌ویژه با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تمام تلاش خود را برای رهایی از زیر بار استکبار داخلی و خارجی به کار گرفته ولی هنوز نتوانسته است خود را از قیدوبند اقتصاد پیرامونی برهاند. (سیف‌اللهی، ۱۳۹۹: ۴۳).</p>	سیف‌الله سیف‌اللهی
<p>هالیدی در کتاب «دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران»، مهمترین ویژگی‌های نظام سیاسی پهلوی را دیکتاتوری، سرمایه‌داری و دیکتاتوری سرمایه‌داری وابسته می‌داند. وی شکل نظام سیاسی شاهنشاهی را استبدادی معرفی می‌کند. او معتقد است که در زمان حکومت شاه شکل خاصی از توسعه اقتصادی سرمایه‌داری وابسته ایجاد گردیده بود که نتیجه آن تضعیف بورژوازی ملی و تقویت بورژوازی کمپرادور بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۴۶).</p>	فرد هالیدی
<p>وی توسعه پایدار را رابطه متقابل انسان و زمین می‌داند و از ۲ مبارزه توأمان سخن به میان می‌آورد: ۱. مبارزه با آنان که براساس سنت کلاسیک توسعه را بدون توجه به بوم‌مداری دنبال می‌کنند. ۲. مبارزه با کسانی که براساس دیدگاه محافظه کارانه هرگونه دخل و تصرف در طبیعت را ممنوع می‌دانند (نصیری، ۱۳۸۵: ۱۴۳).</p>	رنه دوبو ^۱
<p>دولین و یاپ از سیاسی بودن مفهوم توسعه پایدار سخن به میان آوردند و گفتند که توسعه بدون فرهنگ راه به جایی نخواهد برد. از این نگاه توسعه پایدار عبارتست از: دگرگونی اساسی در شیوه تفکر- زندگی- تولید- مصرف و نیز شیوه‌ای که مابین دیگر انسان‌ها نگاه می‌کنیم. به این معنا درحقیقت عبارتست از یک «دگرگونی ذهنی بنیادی» خواهد بود (اکرمی، دامیار، ۱۳۹۶: ۱۴).</p>	دولین و یاپ

(مأخذ: برداشت نگارندگان، ۱۴۰۳)

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

❖ عناصر فرهنگی: عبارتست از اثرگذاری مؤلفه‌های فرهنگی، اعم از آداب و رسوم، نوع باورها و اعتقادات، زبان، تعصبات قومی-نژادی، سطح تحصیلات افراد جامعه، پیشینه تاریخی و سایر عناصر فرهنگی بر شیوه زندگی افراد و گروه‌های آن جامعه است.

- ❖ خاص‌گرایی: الگوی هنجاری است که یک کُنش‌گر را در یک موقعیت معین در سوگیری نسبت به سوژه‌ها براساس نوع رابطه با سوژه بدون توجه به ضوابط عام و استانداردهای اجرایی متعهد می‌نماید (ازکیا، ۱۳۸۱: ۸۱).
- ❖ توسعه پایدار: ابعاد ۳گانه توسعه پایدار عبارت‌انداز: ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی. همچنین می‌توان برپایه (جدول ۲)، تبیین عملیاتی متغیرها و شاخص‌ها را عنوان داشت.

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیرها و شاخص‌ها

مقیاس سنجش	شاخص‌ها و «معرف‌ها»	متغیر
رتبه‌ای	تعداد مراکز آموزشی کمیت و کیفیت (مهدکودک، کودکان، ابتدایی، متوسط، عالی و تکمیلی)؛ تعداد مراکز فرهنگی (آمفی تئاتر، سینما، تئاتر، سالن‌های رقص - موسیقی و غیره، کتابخانه‌ها، تفریگاه‌ها، پارک‌ها و غیره؛ آداب و رسوم؛ سابقه و آثار تاریخی، زبان و لهجه، نژاد، سواد و مذهب؛ تعصبات، تعلقات و باورهای قومی؛	عناصر فرهنگی
رتبه‌ای	عضویت در نهادهای خاص، عدم‌مشارکت در کارهای عمومی، علاقه به قوم و تبار و گروه‌های خویشاوندی، گرایش احزاب سیاسی پنهان و آشکار، در هواداری از کاندیداها صرفاً به جهت تعصبات قومی و مذهب، تعصب قبیله‌ای	خاص‌گرایی
رتبه‌ای	بُعد اجتماعی: به رابطه انسان با انسان‌های دیگر، اعتلای رفاه افراد، بهبود دسترسی به سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ‌های مختلف و برابری و فقرزدایی عنایت دارد. بُعد اقتصادی: با متغیرهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارایی منابع طبیعی و همچنین توزیع عادلانه منابع حاصله، تا حداکثر ممکن ارتقاء یابد. بُعد زیست‌محیطی: با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی و بیولوژیکی و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه بین طبیعت و انسان می‌پردازد.	توسعه پایدار

(مأخذ: برداشت نگارندگان، ۱۴۰۳)

یافته‌های پژوهش موردتبیین

برپایه نتایج (جدول ۳)، و باتوجه به سطح معنی‌داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ است که می‌توان گفت؛ بین عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی با توسعه پایدار رابطه معنادار مستقیم و بین

عناصر فرهنگی با خاص‌گرایی رابطه منفی و معکوس وجود دارد. چون ضریب هم‌بستگی بین ۲ متغیر برابر با ۰/۴۹- است. حاکی از وجود رابطه معکوس و متوسط بین متغیرها می‌باشد. یعنی هرچه قدر بر میزان توجه به عناصر فرهنگی در شهر اردبیل افزوده شود به همان اندازه خاص‌گرایی کاهش می‌یابد و برعکس.

جدول ۳: نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون جهت تعیین هم‌بستگی بین عناصر فرهنگی، خاص‌گرایی با توسعه پایدار و عناصر فرهنگی با خاص‌گرایی

متغیر اول	متغیر دوم	تعداد	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری
عناصر فرهنگی	توسعه پایدار اردبیل	۴۵۰	۰/۵۶	۰/۰۰۰
خاص‌گرایی	توسعه پایدار اردبیل	۴۵۰	۰/۴۶	۰/۰۰۳
عناصر فرهنگی	خاص‌گرایی	۴۵۰	-۰/۴۹	۰/۰۰۱

** Correlation Is Significant At The 0.01 level (2-tailed).

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

تحلیل چند متغیری داده‌ها با استفاده از مدل رگرسیون

برپایه نتایج (جدول ۴)، و (جدول ۵)، و با توجه به سطح معنی‌داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کوچکتر از ۰/۰۱ و برابر با ۰/۰۰۰ است بنابراین معادله رگرسیون معتبر می‌باشد همچنین مقدار ضریب تعیین حاکی از آن است که ۶۱ درصد از تغییرات توسعه پایدار به کمک متغیرهای عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی قابل تبیین است. با توجه به جدول بالا مقدار ضریب استاندارد شده برای متغیرهای عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی به ترتیب برابر با ۰/۶۲ و ۰/۵۳ می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون رگرسیون متغیر عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی بر توسعه پایدار

تیین	B	خطای استاندارد	Beta ضریب بتای استاندارد	آماره T	سطح معناداری
-	۳/۴۸	۲/۳۵۶	-	۱/۲۱	۰/۰۰۰
عناصر فرهنگی	۱/۵۶	۰/۲۹	-۰/۶۲۳	۳/۱۲	۰/۰۰۱
خاص‌گرایی	۲/۱۷	۰/۹۸	-۰/۵۳۱	۱/۰۳	۰/۰۰۰

ضریب هم‌بستگی= ۰/۷۸ ضریب تعیین= ۰/۶۱ سطح معناداری= ۰/۰۰۰

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول ۵: نتایج آزمون رگرسیون متغیر عناصر فرهنگی بر خاص گرایی

تیین	B	خطای استاندارد	Beta ضریب بتای استاندارد	آماره T	سطح معناداری
-	۲/۱۴	۰/۸۶۵	-	۱/۷۷۳	۰/۰۰۳
عناصر فرهنگی	۱/۰۹۱	۰/۲۶۳	۰/۶۸	۲/۴۱	۰/۰۰۰
ضریب هم‌بستگی=۰/۷۲ ضریب تعیین=۰/۵۲ سطح معناداری=۰/۰۰۱					

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

جهت آزمون مدل پژوهش از تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج آن برپایه (شکل ۱) و (جدول ۶)، قابل تبیین است.



شکل ۱: مدل پژوهش از تحلیل مسیر- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول ۶: ماتریس اثرات متغیرهای نمودار مسیر شکل ۱ (R2=61)-

متغیر مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	سطح معناداری
عناصر فرهنگی	۰/۶۲	$۰/۵۳ \times ۰/۳۶ = ۰/۱۹$	۰/۰۰۰
خاص گرایی	۰/۵۳	-	۰/۰۰۰

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

بحث

براساس شاخص‌های توسعه می‌توان گفت، کشور با چالش‌های مهمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار مواجه است اگر این چالش‌ها با برنامه و سیاست‌گذاری‌های مناسب مورد توجه قرار نگیرد کشور در آینده نه‌چندان دور با بحران‌های مختلف اجتماعی، تنازعات قومی، خاص‌گرایی، عدم توسعه محلی، خشکسالی و درگیری‌های آبی مواجه خواهد شد پس برای گریز و دوری از این مشکلات باید نهادهای متولی، مسئولین و عامه مردم با همدلی، مشارکت

دل‌سوزانه، فعالانه و با برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر اصول علمی و محلی گام‌های اساسی را برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار بر دارند.

هدف توسعه پایدار تأمین نیازهای حال، آینده و رسیدن به وضعیت متوازن در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است. در واقع توسعه پایدار ارزش دیجیتال توسعه است. همان‌طور که در نتیجه تحقیق مشخص شد، درخصوص فرضیه اول؛ نشان می‌دهد بین عناصر فرهنگی و توسعه پایدار اردبیل ارتباط معنادار مستقیمی وجود دارد که با نتایج مطرح در این بخش با مقایسه بر تحقیق صادقی و دیگران (۱۳۸۹)؛ با عنوان «خلاقیت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار»، نشان داد که با تغییرات فراگیر در نظام آموزش عالی و تربیت افراد خلاق و نوآور می‌توان گامی در جهت تحقق توسعه پایدار برداشت و تعلیم دهندگان به‌عنوان رکن اساسی نظام آموزشی، نقش مهمی در پرورش خلاقیت دارند (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۳). همچنین فراستخواه (۱۳۷۸)؛ در تحقیق خود مقایسه بر با عنوان «آموزش، پژوهش و توسعه سرمایه انسانی در توسعه پایدار»، اشاره کرد که عواملی به‌مانند خودگردانی، بازتولید تفکر، سؤال‌برانگیزی و نوآوری، فراشناخت و فرایندمحوری، حل‌مسأله و سیستم‌های آموزشی مسأله‌گرا و آموزش مبتنی بر پژوهش، تأکید می‌کند یکسان و هم‌سو می‌باشد (فراستخواه، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۶). طبق فرضیه دوم؛ متغیر خاص‌گرایی به‌عنوان متغیر میانجی با توسعه پایدار نقش دارد که با نتایج تحقیق سیف‌اللهی و حافظ‌امینی (۱۳۸۸)؛ با عنوان «برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران»، نشان داد که عملکرد برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی قبل و بعد از انقلاب اسلامی مبین آن است که موانع و تنگناهای بنیادین بر سر راه تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی متناسب و مطلوب برای جامعه ایران به‌ترتیبی که موجب همگرایی گروه‌های قومی شود، وجود داشته و دارد. آگاهی از موانع و تنگناهای موجود بر سر راه تقویت همگرایی گروه‌های قومی در جامعه ایران، ورود به حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی را پیش‌روی قرار می‌دهد. مطابقت و هم‌خوانی دارد. ازسوی دیگر، فرضیه سوم؛ نشان داد که ارتباط معنادار معکوسی بین عناصر فرهنگی با خاص‌گرایی وجود دارد. نتایج تحقیق همچنین جغتایی، موسوی و زاهدی ماندارانی (۱۳۹۵)؛ در تحقیق خود با عنوان «ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه»، که به‌روش تحلیل محتوای کیفی و کمی انجام گردید به این نتیجه رسیدند که در برنامه‌های توسعه ۵ گانه توجه مشترکی به مؤلفه‌های «آموزش»، «حمایت و تأمین اجتماعی»، «حفاظت از محیط‌زیست»، «بهره‌داری بهینه از منابع»، «علم‌گستری و فناوری» و «تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار»، شده است. برای مؤلفه‌های «عدالت جنسیتی»، «هم‌بستگی و انسجام ملی»، «هم‌گرایی قومی-نژادی»، «کاهش واگرایی

مذهبی»، «جوانان»، «سالمندان»، «سلامت و ثبات خانواده»، «امنیت اجتماعی»، یا سیاست‌گذاری صورت نگرفته یا سیاست‌ها مبهم و کلی بوده‌اند هم‌راستا می‌باشد (جغتایی، موسوی، زاهدی ماندارانی ۱۳۹۵: ۸۸-۵۵).

همان‌طور که یافته‌های ما نشان می‌دهد جهت رسیدن به توسعه پایدار و وضعیت بهتر اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی باید به عناصر فرهنگی و خاص‌گرایی توجه نمود. متأسفانه نهادهای فرهنگی و دست‌اندرکاران امر برنامه‌ای برای بهبود وضعیت فرهنگی ندارند و کشور دچار مهندس زدگی شده است و حتی برای کارهای فرهنگی هم کسانی نسخه می‌پیچند که هیچ‌گونه آشنایی با مسائل فرهنگی ندارند. همچنین بیشتر به امور نگاه فنی و مهندسی دارند تا فرهنگی. یکی از ارکان و اجزاء توسعه وضعیت فرهنگی است ولی ما نتوانستیم از این پتانسیل عظیم استفاده کنیم چون برای ما پیوست فرهنگی و اجتماعی مهم نیست. از طرفی خاص‌گرایی یکی از موانع عمده اقتصادی-اجتماعی توسعه محسوب می‌گردد. تا زمانی که در شهر اردبیل خاص‌گرایی و معیارهای انتسابی مانند خویشاوندسالاری، طایفه‌گرایی، قومیت‌گرایی، هم‌زبان، هم‌نژاد بودن و در چند سال اخیر هم حزبی و حضور در ستادهای نمایندگان (انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و غیره)، در اولویت باشد نباید حرفی از توسعه و توسعه پایدار زد. قابل ذکر است محدودیت‌های تحقیق به صورت زیر می‌باشد:

وقوع برخی حوادث غیرمترقبه در فرایند انجام تحقیق؛

عدم حمایت و پشتیبانی مالی این تحقیق از سوی نهادهای مرتبط؛

مشکل اعتماد به پرسش‌گر به دلیل حساسیت موضوع؛

عدم همکاری نهادهای مرتبط جهت ارائه اطلاعات و مستندات لازم جهت هرچه بهتر شدن

نتایج تحقیق؛

نبود و عدم دسترسی به منابع و آمارهای مرتبط با تحقیق؛

همچنین با توجه به دستاوردهای پژوهش، پیشنهادهای از سوی نویسندگان مطرح است که

به صورت زیر دسته‌بندی شده است:

۱) نهادهای فرهنگی و دست‌اندرکاران امر برنامه‌ای برای بهبود وضعیت فرهنگی ندارند و حتی برای کارهای فرهنگی هم کسانی نسخه می‌پیچند که هیچ‌گونه آشنایی با مسائل فرهنگی ندارند و بیشتر به امور نگاه فنی و مهندسی دارند تا فرهنگی. در این راستا باید کار را به متخصصان فرهنگی و اجتماعی واگذار کرد؛

ب) باتوجه به اینکه توسعه پایدار یکی از مهمترین مسائل در دنیا و حتی ایران است باید در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی-اجتماعی جایگاه خود را پیدا کرده تا در آینده کشور را با خطراتی مواجه نسازد؛

ج) شناسایی سایر عناصر، ارکان و اجزاء تأثیرگذار ساختارهای توسعه برای توسعه و توسعه پایدار؛
 د) توجه و الزام به داشتن پیوست فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی در برنامه‌های توسعه و توسعه پایدار جهت جلوگیری از هدر رفت سرمایه و انباشت روزه‌های فساد و اختلاس؛ دوری از رانت، ژن سالاری (ژن خوب و برتر در مقابل ژن بد)، لپین‌گرایی و خاص‌گرایی در مقابل عام‌گرایی و تخصص‌گرایی؛

ه) دوری و پرهیز از تقسیم پست‌های مدیریتی و کلیدی بدون توجه به حزب‌گرایی و باندبازی که باعث کژکارکردی ساختار، فساد، اختلاس، توسعه نامتوازن و سایر آسیب‌ها می‌شود؛
 و) استفاده از افراد شایسته، متخصص، متعهد بدون توجه به خاص‌گرایی، قوم‌گرایی و خویشاوندسالاری در اردبیل؛

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که عناصر فرهنگی و اخلاق خاص‌گرایی با توسعه پایدار رابطه مثبت و معناداری دارد و بین عناصر فرهنگی با متغیر میانجی خاص‌گرایی رابطه منفی و معکوس وجود دارد یعنی هرچه قدر بر میزان توجه به عناصر فرهنگی در شهر اردبیل افزوده شود به همان اندازه توجه به خاص‌گرایی کاهش می‌یابد و برعکس. بنابراین برای سوق دادن مردم جهت توجه به توسعه پایدار می‌بایست سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی در برنامه‌های توسعه و امور مرتبط با توسعه به عناصر فرهنگی توجه کنند و از خاص‌گرایی که در تقابل با تخصص و عام‌گرایی است دوری جویند. همچنین تمامی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مربوط به مناطق مختلف کشور به خصوص استان‌ها و شهر اردبیل در حوزه فرهنگی و توسعه پایدار دچار تقلیل‌گرایی که آفت توسعه و توسعه پایدار می‌باشد گردیده است. پس برای دوری از تقلیل‌گرایی توسعه‌ای باید نگاهی ژرف‌اندیشانه و همه‌جانبه‌گرایانه داشت تا کمتر با مشکلات فرهنگی، اخلاقی و معضلات اجتماعی به مانند فقر، سرقت، کودکان کار و خیابانی، تکدی‌گری، همسرآزاری، خودکشی، اعتیاد، حاشیه‌نشینی به خصوص آسیب‌های نوظهور به مثابه تغییرات جنسی، زباله‌گردی و دوره‌گردی زنان، خودکشی بی‌هنجاری

مدگرایانه؛ ازدواج‌های سفید و اجاره‌ای، طلاق‌گویی، بیماری‌های روانی و افسردگی، تجردگرایی، بالارفتن سن ازدواج، کاهش جمعیت و فرزندآوری، پیری جمعیت و مسائل جمعیتی، مهاجرت توده‌ای، اقتصادی و زیست‌محیطی که گریبان‌گیر جامعه شده و روزه‌روز افزایش می‌یابد مواجه شویم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دورکیم از ۴ نوع خودکشی در زمان و جامعه خود نام می‌برد: ۱. تقدیرگرایانه، ۲. خودخواهانه، ۳. دگر خواهانه و ۴. بی‌هنجاری مورد (۵)، که توسط نگارنده بیان شده است نوعی از خودکشی است که در کنار بی‌هنجاری و شرایط جامعه، برای افراد جامعه خودکشی بیشتر الگو شده است.

منابع:

- ازغندی، سیدعلیرضا. ۱۳۹۷. تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- ازکیا، مصطفی. ۱۳۸۱. جامعه‌شناسی توسعه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کلمه.
- اکرمی، غلامرضا. دامیار، سجاد. ۱۳۹۶. رویکردی نو به معماری بومی در رابطه ساختاری آن با معماری پایدار، نشریه علمی پژوهشی-هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، دوره ۲۲، شماره ۱، ۴۰-۲۹.
- انتظاری، یعقوب. محجوب، حسن. ۱۳۹۲. تحلیل توسعه اقتصاد دانش ایران براساس چشم‌انداز ۱۴۰۴، فصلنامه علمی پژوهشی-راهبرد فرهنگ، دوره ۶، شماره ۲۴، ۹۷-۶۵.
- آورنو، تئودور، هورکهایمر، ماکس ۱۳۸۷. دیالکتیک روشنگری: قطعات فلسفی، ترجمه: مراد فرهادپور و امید مهرگان، چاپ سوم، تهران: انتشارات گام نو.
- بدیع، برتران. ۱۳۹۳. توسعه سیاسی، ترجمه: احمد نقیب‌زاده، چاپ هفتم، تهران: انتشارات قومس.
- جغتایی، فائزه. موسوی، میرطاهر. زاهدی ماندارانی، محمدجواد. ۱۳۹۵. ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های ۵گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی-رفاه اجتماعی دوره ۱۶، شماره ۶۳، ۸۸-۵۵.
- حقیقی، علی محمد ۱۳۸۸. بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار؛ تحلیل موردی فرهنگ ایران، ماهنامه مهندسی فرهنگی، دوره ۴، شماره ۳۸-۳۷، ۸۸-۷۶.
- دبده محمد. ۱۴۰۰. دست‌نوشته‌های از مجموعه آثار معمار دبده (تبیین پلورالیسم فرهنگی)، تهران.
- ساعی، احمد. ۱۳۹۴. توسعه در مکاتب متعارض، ویراستار علمی: مهدی عباسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات قومس.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله. ۱۳۹۹. جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی اجتماعی ایران: زمینه‌ها، موانع و تنگناها، چاپ ششم، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله. امینی، حافظ. ۱۳۸۸. برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲، ۶۷-۹۸.
- شریف‌زاده، فتاح. و دیگران. ۱۳۹۲. موانع اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه: بررسی تجربیات مدیران فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهشی-اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، دوره ۷، شماره ۱، ۷۷-۳۳.
- شهرام‌نیا، سید امیرمسعود. ۱۳۹۲. جهانی شدن، دموکراسی و جنبش‌های دموکراتیک در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی-جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۴، شماره ۳، ۸۹-۵۲.
- صادقی، زینب. و دیگران. ۱۳۸۹. خلاقیت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار، فصلنامه علمی پژوهشی-راهبردهای آموزش (راهبردهای آموزش در علوم پزشکی)، دوره ۳، شماره ۱، ۲۸-۲۳.
- فراستخواه، مقصود. ۱۳۷۸. آموزش، پژوهش و توسعه سرمایه انسانی در توسعه پایدار، فصلنامه علمی پژوهشی-فرهنگ و تعاون، دوره ۳، شماره ۱۵، ۴۰-۳۶.
- کاتوزیان، محمدعلی. ۱۳۹۸. دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه: حسن افشار، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات نشر مرکز.

- کاتوزیان، محمدعلی. ۱۴۰۰. اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ بیست و ششم، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- گودرزوند چگینی، مهرداد. ۱۳۸۷. توسعه پایدار مقایسه هند و ژاپن، مقالات علمی-تدبیر، شماره ۲۰۱، ۲۸-۳۳.
- مشیدی، جلیل. سمانه، فرزانه. ۱۳۹۱. بررسی کثرت‌گرایی دینی در مثنوی مولوی، فصلنامه علمی پژوهشی-فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، دوره ۱۰، شماره ۳۰، ۱۰۸-۸۳.
- مصلی‌نژاد، عباس. ۱۳۹۵. سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان، فصلنامه علمی پژوهشی-سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴، ۱۰۸۷-۱۰۶۷.
- میرترابی، سعید. ۱۳۸۷. مسائل نفت ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات قومس.
- نصیری، حسین. ۱۳۸۵. توسعه پایدار: چشم‌انداز جهان سوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات دایره سبز.
- وثوقی، منصور. میرزایی، حسین. رحمانی، جبا. ۱۳۸۴. فردگرایی و جمع‌گرایی ایرانیان از دید سیاحان خارجی، فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱، شماره ۳-۲، ۳۲۲-۳۰۳.

Beeman, William O. Moyne, John. 1988. Language, Status And Power In Iran, Journal Of Language, 64(2):402-404.

